

بروکار می کن مگو چیست کار
که سرمایه جاودانی است کار
(بهار)

کارآفرینی و اخلاق اسلامی

دکتر جعفر هزار جریبی *

تاریخ دریافت: ۸۸/۹/۲۸

تاریخ پذیرش: ۸۹/۳/۲۴

چکیده

در این مقاله به کارآفرینی از منظر آموزه‌های اسلامی پرداخته شده است. همان گونه که اخلاق و ارزشهای دینی برای تمام رفتارهای اجتماعی و عبادی خط مشی تعیین کرده است، برای کار و تلاش و توسعه یافتگی در جامعه انسانی نیز تأکید مضاعفی دارد. در آموزه‌های قرآنی پروردگار، برای انسان، کار و تلاش را مقرر داشته است.

سؤال‌های اصلی این مقاله شامل جایگاه و موقعیت کارآفرینی در مبانی دینی، اعتقادی و همچنین چرایی و چگونگی دعوت به کار و کوشش در آموزه‌های اسلامی است.

روش بررسی، تتبع نظری و استنادی با استفاده از منابع معتبر اسلامی است و یافته‌های پژوهش با رویکردهای کارآفرینی برپایه آموزه‌های اسلامی در قرآن کریم و سیره معصومین (ع) بدست آمده است.

نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که صفت و خصوصیات کارآفرینی در رفتار هریک از انسان‌ها می‌تواند تجلی پیدا کند و اخلاق اسلامی در ایجاد کارآفرینی مؤثر است. از این نظر تفاوتی بین افراد نیست، اما اراده فردی، تلاش زیاد، خوداتکایی، عدم وابستگی به دیگران و کرامت انسانی، مبنای این تعالی و پیشرفت است. براین اساس کوشش و تلاش هر یک از افراد در دنیا، سازنده آخرت وی خواهد بود.

واژگان کلیدی: کارآفرینی، اخلاق، اسلام، کار و تلاش، قرآن، سیره معصومین (ع)

مقدمه

اسلام دین کار، تلاش و آیین عمل و کوشش است و همه انسان‌ها را برای تامین معاش و زندگی با عزت و شرافت دعوت می‌کند. سخت کوشی و مقاومت در برابر سختی‌ها از آموزه‌های اساسی اسلام است و اهتمام به کار و تلاش از دیدگاه اسلام نوعی عبادت است، همان گونه که روح و جسم وی را تقویت می‌کند. اسلام برای کارهای تولیدی به ویژه کشاورزی، دامداری و کارهای تجاری اهمیت قائل است و از بیکاری، تنبلی و تن‌آسانی نهی کرده است.

«به عقیده متفکر اندیشمند، اقبال لاهوری، نقص در تفکر مسلمین است. ارزش‌های اسلام همگی حامی کار و تلاش و کسب ثروت و قدرت مسلمین هستند. اما این نگرش‌های غلط مسلمین است که سبب شده است آن‌ها نتوانند به قدرت دست یابند. به

نظر می‌رسد برداشت‌های غلط و دیدگاه نادرست ما نسبت به این ارزش‌ها سبب فاصله بسیار زیاد بین کارآفرینی و فرهنگ عمومی شده است». (سعیدی کیا، ۱۳۸۴: ۲۵۵)

اسلام همواره بشر را متوجه این نکته می‌کند که هر چه هست عمل است. سرنوشت انسان را عمل او تعیین می‌کند. این یک طرز تفکر واقع بینانه، منطقی و منطبق با قوانین طبیعت است. قرآن کریم راجع به عمل، بسیار تأکید دارد و با تعبیر رسا و زیبایی در این خصوص می‌فرماید: «برای بشر جز آنچه که کوشش کرده است هیچ چیز وجود ندارد (نجم: ۳۹).

آموزه‌های دینی مورد بحث در حوزه کار آفرینی هیچ‌گاه این موضوع را به ذهن متبادر نمی‌کند که رابطه کار و تلاش با اخلاق دینی یک رابطه دنیاگرایانه است، بلکه وارد شدن به مباحث زندگی و برنامه ریزی برای هر فرد در زندگی مادی هم مورد توجه دین اسلام است و دنیا پلی است بسوی آخرت، و برای زندگی در دنیا به همه منابع و ضروریات زیستن پرداخته شده است. این به معنای دنیاگرایی دین و یا به اصطلاح برخی روشنفکران به عرفی شدن دین تعبیر نمی‌شود بلکه قداست دین از جامعیتی برخوردار است که از کوچکترین عناصر حیات انسانی غافل نبوده است و هدف آن توقف انسان در عناصر مادی و توسعه گرایی آن نیست؛ بلکه هدف، ارتقای انسانیت انسان است، که اگر نسخه‌ای برای معیشت او پیچیده نشود و فرایند زندگی وی تبیین نشود، ممکن است بخش مادی زندگی به اهداف عالیه بشریت که همانا روح قدسی دین است لطمه وارد کند. در حدیث آمده که آن چنان برای دنیا تلاش کنید که گویی صدها سال خواهید زیست و آن چنان به فکر آخرت باشید که گویی فردا از دنیا خواهید رفت. پس می‌توان گفت که دین اسلام دین یک جانبه و تک بعدی نیست و به جنبه‌های مختلف زیست بشر توجه کرده است. اما شایان ذکر است که این جنبه‌ها در عرض هم به حساب نیامده‌اند، بلکه در طول هم فرض شده‌اند و زندگی این دنیایی مقدمه‌ای برای حیات جاوید به حساب می‌آید.

براین اساس انسان مومن به تمام معنا می‌تواند یک کارآفرین باشد، و به موفقیت و کامیابی دنیا و آخرت دست یابد. از نظر فرهنگ اسلامی، کارآفرین فرد تلاشگری است که با اتکاء به نفس و توکل به خداوند می‌تواند در جهت منافع فردی و اجتماعی گام بردارد. همچنین با بهره‌گیری از خلاقیت و نوآوری مبتنی بر وجدان کاری و انضباط اجتماعی، به تغییر و تحول و توسعه بپردازد. البته پر واضح است که کارآفرینی نیاز به زیرساختهای ویژه ای دارد که تا آن‌ها فراهم نباشند نمی‌توان توقع کارآفرینی داشت. به قول حافظ:

”فیض روح القدس از باز مدد فرماید دیگران هم بکنند آن چه مسیحا می‌کرد“

کار تجارت اقتصادی پیامبر اسلام (ص)، حضرت خدیجه (س) و تلاشهای طاقت فرسای حضرت علی (ع) در حفر قنات و ایجاد نخلستان‌ها در اطراف شهر مدینه مصداق‌هایی برای ایجاد اشتغال و توسعه اقتصادی به شمار می‌رود.

در آموزه‌های اسلامی مراحل از عزت نفس، مرهون تلاش و کوشش انسان است و این مساعی موجب سربلندی فرد می‌شود، به وی می‌آموزد که به دیگران وابسته نشود و دست‌گدایی به سوی این و آن دراز نکند و با کار و حرفه خود استقلال نظر و عمل پیدا کند و در همین راستا امام علی (ع) در سخنی به فرزند خود امام حسن (ع) تاکید می‌کند که، اگر می‌خواهی آزاد باشی، مانند بندگان و غلامان زحمت بکش و کارکن، امید و آرزوی خود را از مال سایر افراد قطع کن. هرگز چشم طمع به مال، ثروت و اندوخته دیگران نداشته باش. اگر کار و کسبی به تو پیشنهاد شد، نگو این کار کسر شأن من است و درجه و مقام مرا در جامعه پایین می‌آورد، زیرا هیچ چیز به اندازه اینکه انسان از دیگران توقع و تقاضا داشته باشد و استمداد کند، او را پست، حقیر و خوار نمی‌کند. تو تا وقتی از دیگران بی‌نیاز باشی و چشم طمع به مال کسی ندوزی و از فردی هدیه نخواهی، از همه بلند مرتبه تر خواهی بود.» (امامی، ۱۳۷۳: ۲۷۸-۲۷۷).

افراد، غرق نعمتهای خداوندی هستند، ولی به راحتی به عمق این نعمت پی نمی‌برند. یکی از این نعمتها، کار و تلاش است. گرچه این نعمت همراه با سختی و مشقت است و قدر و منزلت آن به خوبی احساس نمی‌شود. برخی نیز با بهانه تراشی از

کار و تلاش گریزانند، در حالی که اگر انسان‌ها در زندگی خود از گوهر کار بی بهره بودند و همه نعمت‌ها بدون کمترین تلاشی در اختیارشان قرار می‌گرفت، زندگی آنان بی روح و نشاط بود و به تدریج انگیزه زندگی از آن‌ها گرفته می‌شد. امام صادق (ع) می‌فرماید، اگر تمام نیازمندی‌های مردم [بدون کار و تلاش] تامین می‌شد، هرگز زندگی آنان گوارا نمی‌شد و لذت آن را در نمی‌یافتند. (اسحاقی، ۱۳۸۹: ۵۵-۵۴).

به برکت کار و تلاش درخت زندگی آدمی از میوه‌های شادابی و سرسبزی بارور و در نتیجه، روح و جسم از ضعف و ناراحتی پاک می‌شود. امام صادق (ع) می‌فرماید: منزله است خدایی که رزق و روزی را مقدر فرموده است و آن را چنان نبخشید، بلکه بایستی به دست آید. چرا که اگر رزق انسان‌ها بدون تلاش آن‌ها در یک جا گرد آمده بود، مردم به دلیل بی‌کاری، سخت دچار سرمستی نعمت می‌شدند و در نتیجه، فساد افزایش می‌یافت و کردارهای زشت به ظهور می‌رسید. (همان: ۵۵). بنابراین اساساً کارآفرینی برای فرد و جامعه از منظر آموزه‌های اسلامی مایه سلامت روح و نفس است و همچنین از آسیب‌های اجتماعی و کجروی جلوگیری می‌کند و سعادت دنیا و آخرت آنان را تضمین می‌کند. می‌توان گفت که کاملترین نظام اقتصادی درباره کسب و کار، اسلام است که بطور مستقیم به کسب و کار اشاره کرده و آنرا بالاترین ارزش‌ها در زندگی قلمداد می‌کند. از حضرت رسول (ص) درباره بیکاری روایت شده است که عامل پوچ‌گرایی، خطاپذیری، دوری از خدا، انگیزه گناه و کجروی است. می‌گویند آدم بیکار، بیمار است و آدم بیمار، بی‌عار و انسان بی‌عار، پرآزار و آدم پرآزار، سربار و شخص سربار، دیگر آزار است.

در قرآن کسب و کار و کارآفرینی با عناوین مختلفی در بیش از ۳۰ سوره و حدود

۵۰ آیه توصیه و تشویق شده است (حنیفر، ۱۳۸۶: ۳)

پیشینه پژوهش

از عمر بحث کارآفرینی در ایران حدود یک دهه می‌گذرد که می‌توان این بحث را بحثی نوظهور نامیده که تا رسیدن به سرمنزل مقصود راه درازی در پیش رو دارد. در این دوره، پژوهش‌های حوزه کارآفرینی بیشتر متمرکز بر حوزه‌های مدیریت، مالی، اقتصاد و روانشناسی بوده، و در بخش مذهبی به جز بخشی از چند اثر زیر کار چندانی انجام نشده است.

- کتاب کار آفرینی در نظام ارزشی اثر دکتر حسین خنیفر که در سال ۱۳۸۶ در قم به چاپ رسیده است.

- مقاله بررسی آثار باورهای مذهبی بر گرایش به راه اندازی یک کسب و کار جدید که توسط آقایان امیر حسین ملکی، آرین قلی پورو دکتر عابدی جعفری در شماره ۳ مجله توسعه کارآفرینی دانشگاه تهران به چاپ رسیده است.

- کتاب اصول و مبانی کارآفرینی اثر آقای مهندس مهدی سعیدی کیا که در سال ۸۴ به چاپ رسیده است.

اما در حوزه اخلاق و کار آفرینی می‌توان گفت که مقاله حاضر جز اولین کارهای مستقل به حساب می‌آید.

طرح مسأله

فرهنگ کارآفرینی، مجموعه ارزش‌ها، نگرش‌ها، هنجارها و رفتارهایی است که هویت افراد کارآفرین را تشکیل می‌دهد. افراد کارآفرین و خلاق سعی می‌کنند با نوع متمایز نگاه‌شان به پدیده‌های اطراف و شیوه متفاوت رفتارشان در مواجهه با پدیده‌های پیرامون خود، دست به فعالیت‌های کارآفرینانه زنند و محصول و خدمت جدیدی به جامعه ارائه کنند.

کارآفرینی موتور محرکه توسعه اقتصادی و اجتماعی و ایجاد کننده ثروت‌ها و ارزش‌ها است، و کارآفرین کسی است که دارای قدرت درک بالا و توان شناسایی فرصت‌ها را دارد، و می‌تواند در جامعه از طریق پرورش ایده و تبدیل فکر خود به یک محصول جدید اقدام به ارزش آفرینی کند. این ارزش می‌تواند یک ارزش اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و حتی فرهنگی باشد (هزار جریبی، ۱۳۸۷: ۱۷).

اما این سؤال مطرح است که فرهنگ غالب بر یک محیط خلاق دارای چه ویژگی‌های ارزشی است؟ کدام ارزشها و هنجارها توسعه کارآفرینی را در جامعه تقویت می‌کند؟ و چگونه فرهنگ کارآفرینی در جامعه نهادینه می‌شود؟

کارآفرینی چه جایگاهی در مبانی دینی و اعتقادی دارد؟ آیا دین اسلام مردم را به کار و کوشش و تلاش دعوت کرده است؟ در این مقاله سعی شده است به این سوالات بر اساس مستندات مرتبط با حوزه اعتقادات و باورهای اسلامی پرداخته شود.

روش تحقیق

در این مقاله از روش تتبع نظری و استنادی استفاده شده است. براین اساس کلیه مستندات و مدارک معتبر مرتبط با آموزه‌های اسلامی کارآفرینی و رویکردهای قرآن کریم، سنت پیامبر اسلام (ص) و ائمه طاهرین (ع) و سایر منابع موثق روایی که برای تبیین کارآفرینی محوریت داشته، مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. با توجه به اینکه یافته‌های این پژوهش در واقع بنیان‌های نظری هستند، در ساختار مقاله تحت عنوان رویکردهای کارآفرینی در آموزه‌های اسلامی مطرح شده‌اند.

مفاهیم کارآفرینی

در مطالعات و تحقیقات کارآفرینی، کارآفرین بودن به معنای درهم آمیختن ویژگی‌های شخصی، ابزار مالی و منابع موجود در محیط کار است. محققان علوم انسانی

معتقدند بسیاری از ویژگیهای شخصی را می‌توان پرورش داد و به کمک آن در کسب و کار به موفقیت دست یافت. کارآفرین بودن یعنی، توانا بودن در کشف و ارزیابی فرصت‌ها، جمع‌آوری منابع لازم و عمل کردن به گونه‌ای که در فعالیت‌های خود از صفت رهبری برخوردار باشد و به طور حساب شده و معتدل ریسک کند، و از دست زدن به کارهای بزرگ لذت می‌برد، ولی هیچ‌گاه بی‌گدار به آب نمی‌زند. اغلب مطالعات مربوط به کارآفرینی، ویژگی‌های شخصیتی کارآفرین را با مفاهیمی مانند؛ مرکز کنترل درونی، استقلال طلبی، نیاز به کامیابی، مخاطره‌پذیری، آینده‌نگری، خلاقیت، نوآوری، خوش بینی، تحمل ابهام، تحمل شکست و توانایی ساخت تیم‌های کاری به شرح زیر تبیین می‌کنند (هزارجریبی، ۱۳۸۷: ۱۷۳-۱۷۰).

کنترل درونی: نگرانی مهمی که اکثر مردم هنگام تشکیل یک فعالیت کارآفرینانه نوپا با آن مواجه می‌شوند این است که آیا انگیزه و توان لازم را نه تنها برای شکل دادن اولیه سازمان جدید، بلکه برای اداره و رشد آن دارا هستند یا خیر؟ افراد با مرکز کنترل بیرونی معتقدند که وقایع بیرونی که خارج از کنترل آنهاست، سرنوشت‌شان را تعیین می‌کند. به عبارت دیگر، کارآفرینان موفق به خود ایمان دارند و موفقیت یا شکست را به سرنوشت، اقبال یا نیروهای مشابه نسبت نمی‌دهند.

استقلال طلبی: رییس خود بودن یکی از قوی‌ترین نیازهای فرد کارآفرین است. او می‌خواهد کارها را به شیوه خود و برای خود انجام دهد و کارکردن برای دیگران برای او سخت است. در واقع نیاز به استقلال، عاملی است که باعث رسیدن کارآفرینان به اهداف و رویاهای خود می‌شود.

نیاز به کامیابی: کارآفرینان با انگیزه و مهارت خود دست به رقابت می‌زنند و سعی می‌کنند از عهده کاری که روی آن وقت و انرژی خود را متمرکز کرده‌اند به درستی برآیند. تمایل به انجام کار در استانداردهای مالی جهت پیشی گرفتن از رقبا را دارند و

حتی می‌کوشند که استانداردها را خود تعیین کنند. زیرا افرادی که استانداردها را در هر حرفه‌ای تعیین می‌کنند، همیشه بر بازار حاکم و مسلط هستند.

مخاطره پذیری: از ویژگی‌های بارز کارآفرینان خطر کردن و ریسک پذیری است.

خطری که ممکن است مالی، روانی و حتی اجتماعی باشد. البته برخلاف مردم عادی، کارآفرین خطر بی حساب نمی‌کند.

آینده نگری: کارآفرینان می‌دانند به کجا می‌خواهند بروند. آن‌ها تصور و دیدگاهی

از آینده سازمان خود دارند. البته بسیاری اوقات این تصور از ابتدا وجود ندارد و در طی زمان شکل می‌گیرد.

خلاقیت و نوآوری: خلاقیت اغلب قرار دادن چیزهای قدیمی در کنار یکدیگر برای

راه‌های جدید و حذف زواید نظر و خلق چیزی ساده تر و بهتر است. نوآوری توانایی به کار بردن راه حل‌های خلاق برای مسائل، مشکلات و فرصت‌ها است. به تعبیری دیگر نوآوری، عملی ساختن محصول یا خدمت از ایده ای خلاق است. کارآفرینی نتیجه فرآیند سازمان یافته و منظمی است که خلاقیت و نوآوری را به نیازمندی‌ها و فرصت‌ها در بازار پیوند می‌دهد.

خوش بینی: کارآفرینان اغلب با مشکلاتی روبه‌رو می‌شود و ممکن است که در

ادامه کار خود دچار تردید و تزلزل شوند، ولی در طول این دوره آنان با اعتمادی که به خود دارند در حل این مشکل تلاش می‌کنند. این حس باعث می‌شود که دیگران نسبت به خلاقیت و نوآوری خوش بین باشند و حس اطمینان، در گروه پدید آید.

تحمل ابهام: قدرت تحمل ابهام یعنی پذیرفتن عدم قطعیت به عنوان بخشی از

زندگی. کارآفرینان بدون اینکه احساس تهدید یا ناراحتی کنند، قادرند به طور اثربخش با شرایط و اطلاعات مبهم، ناقص، غیرقطعی، سازمان نیافته و غیر شفاف روبه‌رو شوند و ضمن رفع ابهامات، آن‌ها را به نفع خود تغییر دهند.

تحمل شکست: برای کارآفرینان، شکست یک تجربه جدید است. اشتباه و تکرار آزمایش، انسان را به موفقیت‌های بزرگ نزدیک تر می‌کند. فرد کارآفرین، با واقع بینی شکست را تحمل می‌کند، ناامید، دلسرد و افسرده نمی‌شود. اغلب کارآفرینان معتقدند که از شکست‌های خود بیشتر از موفقیت‌های خود درس آموخته‌اند.

توانایی ساخت تیم‌های کاری: میل به استقلال، رغبت کارآفرین را نسبت به ایجاد ساختار کار گروهی مسدود نمی‌کند. بسیاری از کارآفرینان توانایی بالایی دارند، آن‌ها می‌توانند انگیزه تیم را به شدت قوی کرده و رشد دهند تا افراد تیم بتوانند افکار خود را توسعه دهند.

رویکردهای کارآفرینی در آموزه‌های اسلامی

الف: کارآفرینی در قرآن کریم

قرآن که اساسی ترین منبع دین اسلام است، محور همه ارزش‌ها را روی معرفت و ایمان و کار قرار داده است (جعفری، ۱۳۷۶: ۵۰)، آیات قرآن درباره کار و کوشش در قلمرو حیات به قدری فراوان و متنوع است که با کمال صراحت می‌توان گفت: اسلام دین کار و کوشش است (منبع قبلی و فلاح ۱۳۸۹: ۲۸). در این بخش به آموزه‌های قرآن در ارتباط با کار و کوشش و بطور کلی کارآفرینی پرداخته می‌شود.

گروه اول: کار، نتیجه حیات آدمی

آیاتی که کار را نتیجه حیات آدمی می‌داند، مانند:

الف) «و ان لیس للانسان الا ما سعی و ان سعیه سوف یری؛ و برای انسان جز کار و کوششی که انجام داده است، نمی‌ماند و قطعاً کوشش او دیده خواهد شد» (نجم: ۳۹).

ب) «ان الساعه آتیه اکاد اخفیه لتجزی کل نفس بما تسعی؛ قطعاً روز قیامت خواهد آمد و من آن را مخفی می‌دارم، تا به هر کسی در برابر کوششی که کرده است، پاداش داده شود» (طه: ۱۵).

ج) «ان هذا کان لکم جزاء و کان سعیکم مشکورا؛ این نعمت‌های ابدی برای شما پاداشی است و کوشش شما مورد شکر است» (انسان: ۲۲).

د) «یوم یتذکر الانسان ما سعی؛ روز قیامت روزی است که انسان کوشش‌های خود را به یاد می‌آورد» (نازعات: ۳۵).

از این گروه آیات به خوبی روشن می‌شود که محاسبه ابدی درباره شخصیت آدمی روی کار و کوششی است که به خود او مربوط است. به عبارت دیگر، ملاک شایستگی و ناشایستگی شخصیت در عالم بقا، کاری است که انسان در دنیا انجام داده است. اگر سعی و عملی در راه سعادت فردی و اجتماعی انجام داده است، این شخصیت شایسته لقاء الله و رضوان الله است و اگر سعی و عمل او در راه هوی و هوس و تخریب خود و اجتماع بوده است، سرانجامی جز سقوط در عذاب و فراق الهی ندارد. اینان کسانی‌اند که: «الذین ضل سعیم فی الحیاه؛ کوشش و عمل آنان در این زندگانی پست، گمراه و نابود می‌گردد.» (کهف: ۱۰۴) از همین گروه‌اند آیاتی که لزوم هدف‌گیری انسانی را در سعی و عمل، گوشزد می‌نماید. مانند: «فمن یعمل من الصالحات و هو مومن فلا کفران لسعیه؛ هرکس که اعمال صالحه انجام بدهد، در حالی که دارای ایمان است، کوشش او پوشیده نخواهد گشت» (انبیاء: ۹۴).

گروه دوم: رابطه ایمان و عمل در نتیجه بخشی

آیاتی که نتیجه بخش بودن ایمان را مشروط به عمل و نتیجه بخش بودن عمل را مشروط به ایمان قرار داده است. مانند:

الف) «ان الذين آمنوا و الذين هادوا و النصارى و الصابيين من آمن بالله؛ کسانی که ایمان به خدا و روز قیامت آورده و عمل صالح انجام میدهند، پاداش آنان در نزد پروردگارشان می‌باشد» (بقره: ۶۲).

ب) «من عمل صالحا من ذكر او انثى و هو مومن فلنحيينه حياه طيبه؛ هر که از مرد و یا زن عمل صالح انجام بدهد در حالی که دارای ایمان است، او را با حیات پاکیزه‌ای زندگی می‌بخشیم» (نحل: ۹۷).

در قرآن مجید بیش از شصت آیه در این مورد آمده است که ایمان مقرون با عمل را مطرح نموده، وصول به امتیاز هریک را مشروط به دیگری معرفی می‌نماید (جعفری، ۱۳۷۶: ۲۰-۲۳).

گروه سوم: نظارت الهی بر عمل

آیاتی در قرآن هست که به دلیل اهمیت عمل، آن را مورد نظاره الهی معرفی می‌کنند، مانند:

الف) «و وفیت کل نفس ما؛ و او به کاری که انجام می‌دهند، داناتر است» (آل عمران: ۲۵ و زمر: ۷۰).

ب) «ان الله بما تعملون بصیر؛ قطعاً خداوند به کاری که انجام می‌دهید، بینا است» (بقره: ۱۱۰ و ۲۳۷).

ج) «و الله شهید علی ما تعملون؛ و خداوند گواه کاری است که انجام می‌دهید» (آل عمران: ۹۸).

د) «الم يعلم بان الله یری؛ آیا نمی‌داند که خدا می‌بیند». (علق: ۱۴).

ه) «و ما تكون فی شان و ما تتلوا منه؛ و عملی را انجام نمی‌دهید مگر اینکه ما بر شما شاهد می‌باشیم» (یونس: ۶۱).

هیچ عاملی برای رشد انسان نیرومندتر از آن نیست که بداند همه رفتار او زیر نظر خداوند است و هرکاری که می‌کند و سخنی که می‌گوید و اندیشه‌ای که در ذهنش دارد، ثبت و ضبط شده، سرنوشت آینده او را تشکیل می‌دهد. کسی که به چنین اصلی باور دارد، کمترین دست درازی به حقوق دیگران نمی‌کند، هرگز دروغ بر زبانش جاری نمی‌شود، سخنی به زیان دیگران نمی‌گوید و اندیشه خود را از گرایش به پلیدی‌ها مصون می‌دارد.

در قرآن مجید هشتاد آیه به این موضوع تاکید می‌کند که خداوند متعال همه اعمال انسانی را می‌بیند و می‌داند. هیچ یک از مکتب‌های اصلاحی بشری این عامل نیرومند را ندارد! فقط ادیان برحق، به ویژه دین اسلام است که به پذیرش آن تاکید می‌نماید. آگاهی به این که خداوند متعال همه حرکات و شئون انسانی را می‌داند، لازمه معرفتی والا درباره خداوند است که موجودیت انسان را از آن خدا می‌داند. از این رو، این عامل در آیه‌ای از قرآن چنین نمودار می‌شود: «قل ان صلاتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین؛ بگو به آنان نماز من و اعمال من و حیات و ممات من از آن خداوندی است که پرورنده عالمیان است» (انعام: ۱۶۲).

آن کس که معتقد به این اصل کمال بخش است و خود را همه جانبه وابسته به آن مبدا برین می‌داند، احساس کدامین قدرت، او را به سرکشی می‌کشاند؟ انسانی که به این اصل باور دارد، چگونه می‌تواند انسانی صمیمی نباشد؟ و چگونه می‌تواند خود و دیگران را با خودخواهی‌هایش بفریبد؟ معتقد بدین اصل حیات بخش، هرگز احساس پستی نمی‌کند و به بیماری "خود بزرگ بینی" هم مبتلا نمی‌شود.

آنان که این اصل را نمی‌پذیرند، باید برای انتقاد و مبارزه با اصل تنازع در بقا که همه رسالت‌های انسانی و همه ارزش‌های انسان را به چشم خرافات و موهومات می‌نگرد، پاسخی قانع کننده بیابند و خود می‌دانند که هرگز به چنین پاسخی دست

گروه چهارم: رابطه کار و کوشش با مراحل رشد و درجات آن

این گروه، شامل آیاتی است که ملاک مراحل و درجات رشد را کار و کوشش معرفی می‌نماید. از آن جمله: «و لكل درجات مما عملو؛ و برای هرکس با عملی که انجام می‌دهد، درجاتی است» (انعام: ۱۳۲).

این گروه هم عظمت کار و کوشش را بالا می‌برد و ملاک رشد آدمی را مجرد معرفت بیان نمی‌کند. بانظر به آیات دیگر که ایمان و معرفت را نیز ملاک رشد معرفی می‌نماید، مانند: «یا ایها الذین آمنوا اذا قیل لکم تفسحوا فی المجالس؛ خداوند درجات کسانی از شما که ایمان آورده و دانش به آنان داده شده است، بالا می‌برد.» (مجادله: ۱۱) روشن می‌شود که رشد و کمال سه عنصر دارد: معرفت، ایمان، عمل (جعفری ایضا فلاح: ۳۱).

گروه پنجم: تاثیر ایمان و عمل صالح در افزایش علم و روشنایی

بعضی از آیات قرآن مجید بیان می‌کنند که: ایمان و عمل صالح موجب افزایش علم و روشنایی انسان می‌باشد. از آن جمله:

(الف) «ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات یهدیهم ربهم بایمانهم؛ آنان که ایمان آورده و عمل صالح انجام می‌دهند، پروردگارشان آنان را با ایمانی که دارند هدایت می‌نماید» (یونس: ۹).

(ب) «رسولا یتلوا علیکم آیات الله مبینات لیخرج الذین آمنوا؛ تا آنان را که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده اند، از تاریکی بیرون آورده به سوی نور رهسپارشان سازد» (طلاق: ۱۱).

(ج) «یا ایها الذین آمنوا اذا تدایتتم بدین الی اجل مسمی فاکتبه؛ و برای خدا تقوا بورزید و خداوند شما را تعلیم می‌دهد و خداوند به همه چیز داناست» (بقره: ۲۸۲).

در این گروه از آیات یکی از اساسی ترین مسائل مربوط به انسان و کار مطرح شده است. این مسئله عبارت است از اینکه عمل صحیح و هدف دار عامل افزایش معرفت است (همان: ۲۹-۲۸).

گروه ششم: محبت؛ زاییده ایمان و عمل صالح

این گروه، آیاتی است که محبت را زاییده ایمان و عمل صالح گوشزد می کند، مانند: «ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات سیجعل لهم الرحمن ودا؛ برای آنان که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دهند، خداوند محبتی قرار خواهد داد» (مریم: ۶۹).

گروه هفتم: زمینه آفرینش انسان، تلاش جدی و نهایی

بعضی از آیات قرآنی، زمینه آفرینش انسان را تلاش جدی و نهایی معرفی می کنند. مانند:

الف) «لقد خلقنا الانسان فی کبد؛ به طور قطع ما انسان را در زمینه تلاش و گلاویزی در کار آفریده ایم (بلد: ۴).

ب) «یا ایها الانسان انک کادح الی ربک کدحا فملاقیه؛ ای انسان تو در حال کوشش حیاتی به دیدار خداوندی رهسپار می شوی (انشقاق: ۶).

در این نوع از آیات، کار و کوشش، هم زمینه آفرینش آدمی معرفی می شود و هم وسیله و راه به سوی خداوند متعال. برای اهمیت تلاش در این زندگانی، دلیلی با اهمیت تر از این گروه آیات در هیچ یک از مکتب های بشری نمی توان یافت؛ زیرا این گروه، هم حرکت و کار را عنصری اساسی در طبیعت انسان معرفی می کند و هم سرنوشت نهایی او را به کار و کوششی که کرده است، مربوط می سازد» (جعفری؛ ۱۳۷۶: ۴۴-۴۳).

گروه هشتم: رابطه سقوط و پوچی شخصیت آدمی با کارهای پلید

آیاتی در قرآن مجید آمده است که سقوط و پوچی شخصیت آدمی را گذرگاه تاریخ و در مسیر ابدیت، با سقوط و پوچی و پلیدی کارهای او، توأم می‌سازد، از آن جمله:

(الف) «مثل الذین کفروا بربهم اعمالهم کرماد اشتدت به الريح فی یوم عاصف لا یقدرون مما کسبو علی شیء ذلک هو الضلال البعید؛ مثل کسانی که به پروردگارشان کفر ورزیده اند، کارهای آنان مانند خاکستری است که باد تندی در روز طوفانی بر آن بوزد، آنان از چیزی از اندوخته‌های خود قدرت بهره‌برداری ندارند؛ این است گمراهی دور از رشد و هدایت» (ابراهیم: ۱۸).

خداوند متعال، ناگوارترین عذاب و مصیبت را که برای مردم کافر بیان می‌کند، پوچی و نابودی کارها و کوشش‌های آنان است و چه عذاب دردناکی که آدمی با چشم خویشتن به نابودی و تباهی کارهایش بنگرد، که حیاتش را فدای آن‌ها کرده است.

(ب) «والذین کفروا اعمالهم کسراب بقیعه یحسبه الظمان ماء حتی اذا جاءه لم یجده شیئا و وجد الله عنده فوفاه حسابا و الله سریع الحساب؛ آنان که کفر ورزیدند، کارهایی که انجام داده اند، مانند درخشش سراب در زمین هموار است که انسان تشنه آن را آب خیال می‌کند، تا موقعی که به سوی آن سراب آب نما بیاید، واقعیتی را در آن نمی‌بیند و خدا را ناظر می‌یابد به آن عمل، یا به خود آن کافری که آن کار را انجام داده است که خدا محاسبه آن عمل را نموده است و محاسبه خداوندی سریع است.» (نور: ۳۹).

در این آیه شریفه، یکی از با عظمت ترین اصول انسانی - الهی گوشزد می‌شود که هم ارزش نهایی ایمان را بیان می‌کند و هم ارزش انسانی کار را. در این اصل، دو جریان بسیار مهم زیر بیان می‌شود:

۱- عمل، بدون هدف گیری عالی و خالی از معرفت و ایمان و با انگیزه کفر و افساد در حیات انسان‌ها هر اندازه هم چشمگیر باشد، سرابی بیش نیست؛ نه برای خود انسان نفع واقعی دارد و نه دیگر انسان‌ها می‌توانند از سراب آب نمای اعمال او

۲- این کارهای فاسد، نه تنها برای انجام دهنده آنها و دیگر انسان‌ها سودمند نیست، بلکه عامل فساد انگیزی نیز هست که در قلمرو اجتماعات بروز می‌کند و موجب تباهی‌ها می‌شود؛ لذا وقتی دیگر انسان‌ها آن کارهای فاسد را از نزدیک دیدند، تباهی و پوچی آنها، انسان‌ها را به یاد خدا می‌اندازد که چگونه دست غیبی، پوچی آن کارها و تباهی نتایج آنها را آشکار می‌کند و مردم را از جهل و فریفته شدن باز می‌دارد.

ج) «ان الذین لا یؤمنون بالاخره ربنا لهم اعمالهم فهم یعمهون؛ آنان که به آخرت ایمان نمی‌آورند، کارهای آنان را در برابر دیدگان‌شان آراسته ایم، آنان در حیرتی گیج کننده غوطه ور می‌شوند» (نمل: ۴).

گروه نهم: تجسم کار کوشش و حتی فعالیت‌های درونی در ابدیت

این گروه، آیاتی است که با صراحت کامل می‌گوید: انسان‌ها، تجسم یافته همه کارهای خود را در ابدیت مشاهده خواهند کرد. از آن جمله:

الف) «یوم تجد کل نفس ما عملت من خیر محضرا و ما عملت من سوء تود لو ان بینها و بینها امداء بعیدا و یحذرکم الله نفسه و الله رؤف بالعباد؛ روز قیامت روزی است که هر کسی کاری را که از خوب و بد انجام داده است، حاضر می‌بیند. {کسی که کارهای بد انجام داده است} می‌خواهد میان او و کارهای بد، فاصله زیادی باشد که آنها را نبیند و خدا شما را درباره خود برحذر می‌دارد و خداوند به بندگان خود مهربان است» (آل عمران: ۳۰).

ب) «و ان لیس للانسان الا ما سعی و ان سعیه، سوف یری؛ و برای انسان جز کار و کوششی که انجام داده است، نمی‌ماند و قطعا کوشش او دیده خواهد شد» (نجم: ۳۹).

درست است که این آیات، ناظر به سعی و تلاش برای آخرت و مشاهده پاداش آن در سرای دیگر است، ولی ملاک و معیار اصلی آن، دنیا را نیز در بر می‌گیرد؛ به این معنی

که افراد با ایمان نباید در انتظار دیگران بنشینند که برای آن‌ها کار کنند و مشکلات جامعه آن‌ها را حل نمایند؛ بلکه خود، دامن همت به کمر زده به سعی و تلاش و کوشش برخیزند (مکارم شیرازی؛ ۱۳۷۴: ۵۵۳).

ج) «انه علی رجعه لقادر* یوم تبلی السرائر؛ خداوند به برگردانیدن انسان تواناست، روزی که همه مخفی شده‌ها در درون، آشکار و مورد محاسبه قرار می‌گیرد» (طارق: ۸ و ۹).
 د) «فمن يعمل مثقال ذره خیرا یره* و من يعمل مثقال ذره شرا یره؛ کسی که به اندازه ذره‌ای کار خوب انجام دهد، آن را خواهد دید و کسی که به اندازه ذره‌ای شر انجام دهد، آن را خواهد دید» (زلزال: ۷ و ۸).

ه) «یومئذ یصدر الناس اشتاتا لیروا اعمالهم؛ در روز قیامت مردمان در حال پراکنده از گورها بیرون می‌آیند تا کارهای خود را ببینند» (زلزال: ۶).

آیا این همه آیات قرآنی برای اثبات اصالت کار و تلاش در حیات بشری کفایت نمی‌کند؟

آیا با دیدن این آیات صریح در اصالت کار در حیات دنیوی و حیات ابدی انسانی، باز امکان دارد که یک فرد یا جامعه مسلمان، دست از کار بکشد و حیات خود را به قضا و قدر و بخت و شانس بسپارد؟

مگر با این همه آیات صریح قرآنی، ثابت نمی‌شود که کار، کوشش، تکاپو و تلاش در حد اعلائی که ممکن است، داخل در حکمت و مشیت الهی است؟ این حکمت و مشیت الهی است که منشا قضا و قدر می‌باشد. یعنی خدا در نقشه هستی همان گونه کار و کوشش انسانی را در راه به دست آوردن هدف‌های مفید مادی و معنوی ثبت کرده است که حرکت و تحول و قانون را در عالم طبیعت. آیا شک و تردید در اصالت کار در شئون حیات مادی و معنوی انسان‌ها، مساوی با شک در واقعیت آیات قرآنی نیست که به انحراف و کفر می‌انجامد؟

آیا در حدود ۷۰۰ آیه از قرآن مجید که با اشکال گوناگون، - چه در موارد شخصی و چه به صورت قانون کلی - اهمیت، اصالت و علیت کار و کوشش را به نتایج آن

گوشزد می‌کند، کافی نیست که ملاک حیات منطقی واقعی و ارزش آن را کار قرار بدهد؟ بلی سوگند به خداوندی که خود، هستی را در مجرای کار و حرکت آفریده است، چنین است که ملاک حیات منطقی واقعی و ارزش آن، کار است و بس (جعفری؛ ۱۳۷۶: ۴۸-۴۶ و فلاح؛ ۱۳۸۹: ۳۷).

ب- کارآفرینی در سیره معصومین (ع)

در آموزه‌های اسلامی، همواره از تلاش و سخت کوشی و فرمان برداری از خدا سخن به میان آمده است و در بسیاری روایات، مومنان به «اجتهاد» (تلاش و کوشش) در راه اطاعت و بندگی خدا و پیروی از پیشوایان معصوم (ع) فراخوانده شده‌اند.

۱ - تلاش و کوشش، در فرمان برداری از خدا

در روایات نقل شده از پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) به موضوع تلاش و کوشش در راه اطاعت و بندگی خدا، توجه خاصی شده و تنها راه رسیدن به نجات و رستگاری، درک پاداش‌های الهی، تلاش و کوشش معرفی شده است.

الف) تلاش و کوشش، شرط رسیدن به پاداش‌های الهی

در روایتی که از امام صادق (ع) نقل شده است، آن حضرت، تنها شرط رسیدن به پاداش‌های الهی را تلاش و کوشش در راه اطاعت او اعلام می‌کند و می‌فرماید:

اعطوا الله من انفسکم الاجتهاد فی طاعته؛ فان الله لا یدرک شیء من الخیر عنده الا بطاعته و اجتناب محارمه؛ از جان‌هایتان، تلاش و کوشش در راه فرمان بری خدا را به او ارزانی دارید، زیرا هیچ یک از خوبی‌هایی که نزد اوست، به دست نمی‌آید، مگر با فرمان برداری او و دوری از حرام‌هایش (کلینی؛ ۱۳۶۲: ۷).

ب) تلاش و کوشش، تنها واسطه میان خدا و بندگانش

امام صادق(ع) در روایت دیگری، با نفی همه واسطه‌ها میان خدا و آفریدگانش، تنها راه رسیدن به خدا را اطاعت و بندگی معرفی کرده و همه را به تلاش و کوشش در این راه فراخوانده است:

اعلموا انه ليس بين احد من خلقه ملك مقرب و لا نبي مرسل و لا من خلقه كلهم الا طاعتهم له، فاجتهدوا في طاعه الله؛ بدانید که میان خدا و هیچ یک از آفریدگانش، چه فرشته مقرب، چه پیامبر مرسل و چه دیگر آفریدگانی که پایین تر از آنها هستند، جز فرمان برداری آنها واسطه نمی‌شود، پس در راه طاعت خدا بکوشید (همان: ۱۱).

(ج) تلاش و کوشش، پایه اساسی کارها

امام صادق(ع) در پاسخ این پرسش که «شما کار خود را بر چه پایه ای استوار کرده اید؟» می‌فرماید:

علمت ان عملي لا يعمله غيري فاجتهدت، و علمت ان الله عزوجل مطلع على فاستحيت، و عملت ان رزقي لا ياكله غيري فاطمانت و علمت ان آخر امرى الموت فاستعددت؛ بر چهار چیز: دانستم که کار مرا کسی جز خود من انجام نمی‌دهد، از این رو کوشیدم؛ دانستم خدای عزوجل از حال من آگاه است پس حیا پیشه کردم؛ دانستم روزی مرا کسی جز خودم نمی‌خورد، پس اطمینان پیدا کردم و دانستم سرانجام کار من مرگ است، پس خودم را آماده کردم.

(د) تلاش و کوشش، شرط پذیرش اعمال

امام ششم شیعیان(ع) به هنگام برشمردن شروط پذیرش اعمال بندگان از سوی خدا، یکی از این شروط را تلاش و کوشش آنها در راه اطاعت خدا می‌داند و خطاب به یارانش می‌فرماید:

الا اخبركم بما لا يقبل الله، عزوجل، من العباد عملا الا به؟ فقلت: بلى، فقال: شهادة ان لا اله الا الله، و ان محمدا عبده و {رسوله}، و الاقرار بما امر الله، و الو لايه لنا، و البرائه من اعدائنا-يعنى الائمه خاصه-و التسليم لهم، و الورع، و الاجتهاد، و الطمانينه و الانتظار للقاءهم(ع)؛ آیا شما را خبر ندهم به آنچه خدای صاحب عزت و جلال، هیچ عملی را جز

به آن از بندگان نمی‌پذیرد؟ گفتم: آری. فرمود: گواهی دادن به اینکه هیچ شایسته پرستشی جز خداوند نیست و اینکه محمد (ص) بنده و فرستاده اوست و اقرار کردن به آنچه خداوند به آن امر فرموده و ولایت ما و بیزاری از دشمنانمان - یعنی دشمنان امامان - و تسلیم شدن به آنان و پرهیزکاری و تلاش و اطمینان و انتظار قائم (ع)، (نعمانی، ۱۳۶۳: ۲۰۰).

ه- تلاش و کوشش، شرط توفیق الهی

امام رضا (ع) در روایتی، درخواست توفیق از خداوند، بدون تلاش و کوشش را در حکم مسخره کردن خود می‌داند و می‌فرماید:

سبعة اشیاء بغیر سبعة اشیاء من الاستهزاء: من استغفر بلسانه و لم یندم بقلبه فقد استهزا بنفسه، و من سال الله التوفیق و لم یجتهد فقد استهزا بنفسه؛ هفت چیز است که بدون هفت چیز دیگر بدست نمی‌آید: کسی که به زبان خود طلب آمرزش کند، ولی در دلش (از گناه) پشیمان نباشد، خودش را مسخره کرده است. کسی که از خدا توفیق بخواهد، ولی نکوشد، خودش را مسخره کرده است... «مجلسی؛ ۱۳۶۴: ۳۵۶».

و) تلاش و کوشش، یگانه راه پیروی از امام

امام علی (ع) در نامه ای خطاب به عثمان بن حنیف که کارگزار آن حضرت در بصره بود، پس از اشاره به ضرورت پیروی از امام و اعلام مشی خود در زندگی، همگان را به پرهیزکاری و تلاش فراوان، به عنوان یگانه راهی که می‌توان با آن، تاحدی به امام و پیشوای خود نزدیک شد، فرا می‌خواند:

الا و ان لكل ماموم اماما یقتدری و یتضیء بنور علمه؛ الا و ان امامکم قد اکتفی من دنیا بطمریه و من طعمه بقرصیه الا و انکم لا تقدرن علی ذلک ولکن اعینونی بورع و اجتهاد و عفه و سداد؛ آگاه باش! هر پیروی را امامی است که از او پیروی می‌کند، و از نور دانشش روشنی می‌گیرد، آگاه باش! امام شما از دنیای خود به دو جامه فرسوده و دو قرص نان رضایت داده است، بدانید که شما توانایی چنین کاری را ندارید، ولی با پرهیزکاری و تلاش فراوان و پاکدامنی و راستی، مرا یاری دهید (دشتی، ۱۳۸۲: نامه ۴۵).

ز) ترک گناهان، بزرگ ترین تلاش و کوشش

نکته دیگری که در زمینه تلاش و کوشش در راه اطاعت و بندگی خدا در روایات بر آن تأکید شده، اهمیت و اولویت ترک گناهان است. رسول گرامی اسلام (ص) در این زمینه می‌فرماید:

اجتهدوا فی العمل فان قصر بکم الضعف فکفوا عن المعاصی؛ در کار (اطاعت خدا) سخت بکوشید و اگر ناتوانی شما را (از عمل) درمانده کرد، از گناهان خودداری کنید (مجلسی، ۱۳۶۴: ۱۷۱). آن حضرت در روایت دیگری می‌فرماید:

اشد الناس اجتهادا من ترک الذنوب؛ سخت کوش ترین مردم کسی است که از گناهان خودداری کند «شیخ صدوق، ۱۳۷۳: ۲۸».

امام صادق (ع) نیز تلاش و کوشش در راه اطاعت خدا، بدون پرهیزکاری را بی فایده می‌داند و می‌فرماید:

لا ینفع اجتهاد لا ورع فیه (کلینی، ۱۳۶۲: ۷۷).

ح) تلاش و کوشش و آمادگی برای سفر آخرت

حضرت علی (ع) همگان را به تلاش و کوشش و فراهم آوردن زاد و توشه برای سفر آخرت فراخوانده و از مغرور شدن به سرای دنیا بر حذر داشته است.

فعلیکم بالجد و الاجتهاد و التاهب و الاستعداد و التزود فی منزل الزاد و لاتغرکم الحیاه الدنیا کما غرت من کان قبلکم من الامم الماضیه و القرون الخالیه؛ بر شما باد به تلاش و کوشش، آمادگی و آماده شدن، و جمع آوری زاد و توشه آخرت در دوران زندگی دنیا، دنیا شما را مغرور نسازد، چنان که گذشتگان شما و امت‌های پیشین را در قرون سپری شده مغرور ساخت (دستی، ۱۳۸۲: ۲۳۰).

۲- تلاش و کوشش در اطاعت از حجت‌های الهی

بر اساس آموزه‌های اسلامی، مومنان افزون بر تلاش و کوشش در راه اطاعت خدا،

نیاید در راه اطاعت و پیروی از حجت‌های الهی - انبیا و اولیا - نیز بکوشند و از همه

توان خود در این راه استفاده کنند، زیرا آنها معیارهای تشخیص حق و باطل و بیان کننده حلال و حرام الهی‌اند و اطاعت آنها در طول اطاعت از خداست. به همین دلیل است که امام باقر(ع) درباره وظایف مردم در برابر امامان معصوم(ع) می‌فرماید:

انما کلف الناس ثلاثة: معرفه الائمه و التسليم لهم فيما ورد عليهم و الرد اليهم فيما اختلفوا فيه؛ مردم تنها به سه چیز تکلیف شده‌اند: شناخت امامان، تسلیم شدن به ایشان در آنچه به آنها وارد می‌شود و رجوع به آنها در آنچه در آن اختلاف دارند (مجلسی، ۱۳۶۴: ۳۹).

۳- کار، جوهر آدمی

کار جوهر آدمی است و با کار کردن استعدادها و ظرفیت‌های وجودی آدمی شکوفا می‌شود. تمدن‌های عظیم بشری نیز با همه تنوع و تفاوت‌شان، حاصل کار و تلاش بی‌امان و خستگی‌ناپذیر آدمیان هستند. بنابراین، کار را می‌توان از دو جنبه بررسی کرد؛ نخست از جنبه شخصی و تاثیراتی که بر روان و جسم فرد می‌گذارد و دیگر از جنبه اجتماعی و تاثیرات متقابل فرد و جامعه. کار می‌تواند تاثیر مثبت یا منفی بر جسم و جان انسان بگذارد و به فرد منزلت اجتماعی ببخشد و توازن را میان فرد انسانی و جامعه برقرار سازد.

در واقع، انسان موجودی اجتماعی است که حتی امروز هم با وجود تنوع مجموعه‌های اکولوژی و گوناگونی حرکت در پیشرفت فنی و تحول در ساخت اجتماعی و سطح اقتصادی جوامع در زندگی به کار می‌پردازد. در حقیقت کار وجه اشتراک و شرط لازم زندگی انسان در جامعه است (توسلی، ۱۳۷۵: ۸).

مفهوم کار کردن و ساختن، ریشه در نهاد و فطرت آدمی دارد و مورد توصیه عقل است، اما با این حال خداوند و انبیا و اولیای الهی از باب تاکید بیشتر و غفلت زدایی از وجود انسان‌ها، پیوسته، آدمیان را به کار و کوشش فراخوانده و تشویق کرده‌اند. از همین

روست که قرآن می‌فرماید: آدمی را جز حاصل کارش بهره‌ای نیست. (سوره نجم: ۳۹) براساس آنچه در قرآن و سایر منابع تاریخی آمده، بیشتر پیامبران به کارهایی چون کشاورزی، زره سازی، نجاری و تجارت و ... اشتغال داشته‌اند. حضرت ابراهیم و اسماعیل (ع) به دست خویش خانه کعبه را بنا نهادند. حضرت نوح (ع) به دست خویش کشتی ساخت. حضرت موسی (ع) چوپانی کرد. حضرت عیسی (ع) نیز طبابت می‌کرد و حضرت داوود (ع) زره می‌ساخت و پیامبر اسلام (ص) نیز شبانی و تجارت می‌کرد. پیامبر گرامی اسلام به امام علی (ع) می‌فرماید: دوست دارم شخص برای تامین مخارج خود از حرارت آفتاب آزار ببیند (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۲: ۱۰). امروزه جامعه شناسان نیز به اهمیت و ارزش کار توجه دارند و هریک به نوعی آن را مورد تایید و تاکید قرار داده‌اند. در این باره اسپینوزا می‌گوید: کار عمیق ترین صورت اجتماعی پایدار در حیات آدمی است که بدون آن، نه تولید، نه گسترش، نه ازدیاد وسایل و لوازم زندگی، هیچ یک قابل تصور نخواهد بود (توسلی، ۱۳۷۵: ۱۰).

۴- ایجاد و تأسیس شغل

پیامبر اعظم (ص) از روح سخاوتمندی بهره‌مند بودند، ولی آن حضرت دوست نداشت کسی بدون عذر موجه، به تن پروری و کسالت روی آورد و دست نیاز به سوی این و آن دراز کند. بنابراین، کسانی را که با این حالت به ایشان مراجعه می‌کردند، به کار و تلاش دعوت می‌کرد، از ابن عباس روایت شده است:

«كان رسول الله اذا نظر الى الرجل فاعجبه قال: له حرفه؟ فان قالوا لا، قال سقط من عيني قيل و كيف ذاك يا رسول الله؟ قال: لان المومنين اذا لم يكن له حرفه يعيش بدینه؛ هرگاه کسی را می‌دید که توجه او را جلب می‌کرد و از وی خوشش می‌آمد، می‌پرسید: آیا شغل و حرفه‌ای هم دارد؟ اگر گفته می‌شد حرفه‌ای ندارد، حضرت می‌فرمود: از

چشم من افتاد. می‌پرسیدند: چرا ای رسول خدا؟! می‌فرمودند: چون اگر مومن حرفه‌ای نداشته باشد، دین خود را وسیله معاش قرار می‌دهد» (نوری، ۱۴۰۷ه.ق: ۴۱۵).

مردی نزد پیامبر (ص) آمد و گفت: دو روز است غذا نخورده‌ام. حضرت فرمود: «برو از بازار برای خودت روزی طلب کن.» روز دیگر آمد و گفت: یا رسول الله! دیروز به بازار رفتم، ولی چیزی پیدا نکردم و دیشب بدون غذا خوابیدم. حضرت باز فرمود: «علیک بالسوق؛ به بازار برو.» روز سوم نیز که همان پاسخ را شنید، حرکت کرد به سوی بازار روانه شد. کاروانی آمده بود. او در فروش اجناس به افراد آن کاروان یاری داد و در پایان، سهمی از سود متاع خویش به او دادند. بار دیگر نزد رسول خدا (ص) آمد و گفت: چیزی پیدا نکردم. حضرت فرمود: «چرا، به تو دادند.» گفت بلی. فرمود: «پس چرا دروغ گفتی؟» آن مرد گفت: شما راست‌گویید، می‌خواستم بینم آیا از عمل مردم باخبرید. همچنین خواستم از شما بگیرم. رسول خدا (ص) فرمود: «راست گفتی، هرکس بی‌نیازی بوزد، خدا او را بی‌نیاز کند و هرکس دری از درخواست به روی خود باز کند، خداوند هفتاد در از فقر را به روی او بگشاید که قابل بسته شدن نیست. صدقه برکسی که بی‌نیاز است و کسی که با سلامتی اعضا می‌تواند نیاز خود را برطرف کند، حلال نیست» (مجلسی، ۱۳۶۴: ۱۰۹).

آن حضرت فرمود: «کلوا من کد ایدیکم؛ از دست رنج خود بخورید» (مجلسی، ۱۳۶۴: ۱۰۹).

رسول اسلام (ص) در روایتی دیگر مژده داده است:

«من اکل من کد یده مر علی الصراط کالبرق الخاطف؛ کسی که از دست رنج حلال خویش بخورد، از صراط چون برق درخشان می‌گذرد» (نوری، ۱۴۰۷ه.ق: ۴۱۷).

همچنین فرمود: «من اکل من کد یده حلالا فتح له ابواب الجنة یدخل من ایها شاء؛ هرکس معاش خود را از دست رنج حلال خویش تامین کند، درهای بهشت بر او گشوده شود تا از هر یک که خواست، داخل شود» (همان: ۴۱۷).

نگاه رسول الله به جوانان پرتلاش، سرشار از محبت بود و همواره مورد مهر و عطوفت ایشان بودند. روزی حضرت با یاران خود نشستند. جوان توانا و نیرومندی را دید که اول صبح به کار و تلاش مشغول شده است. کسانی که در محضر پیامبر بودند، سخن به کنایه گشودند و گفتند: اگر این جوان، نیرومندی و توان خود را در راه خدا به کار می‌انداخت، شایسته ستایش بود. رسول خدا(ص) در پاسخ اصحاب فرمود: «این سخن را نگویند، اگر این جوان برای معاش خود کار می‌کند که در زندگی به دیگران نیازمند نباشد، با این عمل در راه خدا قدم برمی‌دارد. همچنین اگر کار می‌کند تا زندگی والدین ضعیف یا کودکان ناتوان را تامین کند از مردم بی نیازشان گرداند، بازهم در راه خدا می‌رود. اگر کار می‌کند تا با درآمد خود بر تهی‌دستان مباحات کند و بر ثروت و دارایی خود بیفزاید، او به راه شیطان رفته و از صراط حق منحرف شده است (فیض کاشانی، ۱۳۵۰: ۱۴۰). تنبلی و تن‌پروری همواره مورد نکوهش پیامبر اعظم (ص) و مایه غضب الهی است. رسول مکرم اسلام(ص) می‌فرماید: «ان الله يبغض الشاب الفارغ؛ خداوند، جوان بی‌کار را دوست نمی‌دارد» (قمی، ۱۳۶۳: ۶۲۴).

داستان پیدا کردن کار برای ساربان، از سوی امام جواد(ع) نیز در این باره، قابل تامل است: شتر چرانی بود، که بی‌کار مانده بود و دربه‌در دنبال کار می‌گشت. او تنها امیدی که داشت، به امام جواد (ع) بود به دوستش گفت نزد امام جواد(ع) که رفتی، بگو ساربانی بی‌کار مانده و دنبال کار می‌گردد و برایش کار پیدا کنید. ابوهاشم می‌گوید: به این قصد به حضور امام جواد(ع) رفتم. دیدم با جماعتی مشغول غذا خوردن است. فرصتی به دست نیامد تا درباره سفارش ساربان، صحبت کنم.

امام جواد(ع) رو به من کرد و فرمود: «بیا جلو از این غذا بخور.» کاسه غذا را جلوی من گذاشت و فرمود: «بخورد»، در همین هنگام بی‌آنکه من در مورد ساربان سخنی بگویم، یکی از غلامان خود را صدا زد و به او فرمود: «ساربانی هست که با ابوهاشم نزد ما می‌آید. او را پیش خود نگه دار و برای او کاری معین کن، تا مشغول

گر SID (طبرسی، ۱۳۷۹: ۳۳۴).

۵- تناسب استعداد و کار

پیامبر رحمت همگان را به کار فرا می‌خواند ولی درباره تناسب کارها با استعداد و توانایی افراد می‌فرمود:

همه شما کار کنید، ولی متوجه باشید هرکس برای کاری آفریده شده است که آن را به سهولت انجام می‌دهد (قمی، ۱۳۶۳: ۷۳۲).

تلاش و کوشش پراکنده، نتیجه بخش نیست و هیچ یک از کارها به سرانجام نمی‌رسد. آموزه‌های قرآنی نیز مردم را از تلاش نامنظم و پراکنده برحذر داشته است. با این حال، دیده می‌شود کسانی به نیت کمک، افراد را ناامید می‌کنند. این کار از نظر خداوند پسندیده نیست؛ چون پس از امیدواری، افراد را ناامید کرده و ضربه‌های روحی به آنان می‌زنند. خداوند دوست دارد بندگانش جاده خیر و فلاح را تا پایان بپیمایند. بنابراین، اگر انگیزه کار نیک، انسانی و اسلامی است، کاری را که آغاز شده، باید به پایان برد و اگر می‌خواهند آن را نیمه کاره رها کنند، پس بهتر است هرگز آن را آغاز نکنند، زیرا این کار سبب از بین رفتن سرمایه‌ها و شکست روحی و روانی افراد می‌شود. حضرت علی (ع) می‌فرماید:

«اکمال المعروف احسن من ابتدائه؛ تمام کردن کار خوب، از آغاز کردن آن بهتر است» (تمیمی، ۱۳۷۸: ۷۵).

۶- محکم کاری و کیفیت بخشی به کارها

اهمیت بخشی به کیفیت کارها بسیار مورد توجه آموزه‌های روایی است. داستان تدفین سعد بن معاذ، نمونه‌ای از محکم کاری پیامبر آمدند و خبر دادند سعد بن معاذ درگذشته است، رسول خدا (ص) برخاست، اصحاب نیز همراه آن حضرت برخاستند. حضرت دستور داد سعد را شست و شو دهند، چون سعد را شستند و حنوط کردند و کفن پوشانند و در تابوت نهادند، آن گاه رسول خدا (ص) پای برهنه و بدون

ردا، در پی تابوت به راه افتاد و گاه سوی راست تابوت و گاه سوی چپ تابوت را می‌گرفت تا به قبرستان رسیدند. پس از کندن قبر، رسول خدا(ص) داخل قبر شد و لحد را چید و آن را با گل محکم کرد و پیوسته می‌فرمود: «و انی لاعلم انه سیبلی و یصل الیه البلاء ولكن الله یحب عبدا اذا عمل عملا احکمه؛ به درستی که من می‌دانم این قبر به زودی فرسوده می‌شود و بلا به سوی آن سرازیر می‌شود، ولی خدا دوست می‌دارد وقتی بنده‌ای، کاری را انجام می‌دهد، آن را محکم و استوار کند» (صدوق، ۱۳۷۳: ۳۱۴).

در حدیثی دیگر از امام صادق(ع) آمده بود که چون ابراهیم، فرزند رسول خدا(ص) از دنیا رفت، پیامبر پس از دفن او دریافت که در قبر وی شکافی هست. با دست خود آن را پر کرد و محکم ساخت و آن گاه فرمود: «اذا عمل احدکم عملا فلیتقن؛ وقتی یکی از شما کاری انجام می‌دهد، پس آن را محکم و استوار سازد» (کلینی، ۱۳۶۲: ۲۶۳). بازهم از آن رسول مکرم رسیده است که: بهترین مردمان کسی است که - هنگام انجام دادن کاری - همه کوشش خود را به کار گیرد» (سیوطی، ۱۴۰۱: ۱۹۴).

متأسفانه برخی عادت کرده اند با سهل انگاری کارهای خود را بدون کیفیت انجام دهند و پیش از انجام درست یک کار، به کار دیگری پردازند. آشکار است که در این صورت، انسان نمی‌تواند از کارهای آنان بهره برداری کند. در مقابل افرادی با وجدان کاری بالا هستند که به دلیل تعهد خویش، کارهایی را که به آنان سپرده می‌شود، به بهترین صورت انجام می‌دهند و محبوبیت مردمی و رضایت الهی را از آن خود می‌سازند. آنان همواره این سفارش ارزشمند رسول اسلام (ص) را آویزه گوش خود ساخته‌اند: «یحب الله العامل اذا عمل ان یحسن؛ خداوند دوست دارد وقتی انسان کاری انجام می‌دهد، آن را خوب و کامل کند» (پاینده، ۱۳۶۲: ۲۳۱۷).

۷- شکیبایی و بردباری برای کسب روزی

شتاب زدگی و به دست آوردن مال فراوان، بدون کوچک ترین زحمت و تلاشی، مورد نکوهش رسول رحمت(ص) قرار گرفته است. متأسفانه برخی افراد بر اثر عجله و

شتاب، روزی خود را به ناپاکی آلوده می‌سازند، درحالی که اگر قدری صبر و تحمل به خرج می‌دادند، همان روزی از راه حلال به آن‌ها می‌رسید. حضرت در هشدار به این افراد می‌فرماید: «ولا یحملنکم استبطاء شیء من الرزق علی ان تطلبوه بمعصیته الله فان الله لاینال ما عنده بمعصیته؛ مبادا دیر رسیدن روزی، شما را وادارد تا از راه معصیت خدا آن را طلب کنید، زیرا کسی به وسیله معصیت نمی‌تواند به روزی‌ای که نزد خداست برسد» (کلینی، ۱۳۶۲: ۸۰).

رسول خدا (ص) در سفارشی دیگر می‌فرماید:

فمن اتقی الله عزوجل و صبر اتاه الله برزقه من حله و من هتک حجاب الستر و عجل فاخذ من غیر حله قص به من رزقه الحلال و حوسب علیه یوم القیامه؛ هرکس از خدای عزوجل بترسد و صبر کند، خداوند از راه حلال روزی او را می‌دهد و هرکس پرده حرمت را بدرد و عجله کند و از راه حرام روزی به دست آورد، خداوند از روزی حلال وی به همان اندازه بکاهد و در روز قیامت از او حساب کشیده می‌شود (همان: ۸۰).

۸- سرخیزی و در پی روزی رفتن

سرخیزی و صبح زود در پی کار رفتن از آداب نیکی است که در پیشرفت کارها و انجام به موقع آن بسیار موثر است. امام باقر (ع) می‌فرماید: «کان رسول الله یخرج بعد طلوع شمس؛ رسول خدا (ص) همواره بعد از طلوع خورشید بیرون می‌رفت» (طباطبایی، ۱۳۷۱: ۳۰۵).

در سیره عملی امامان معصوم (ع) نیز این مهم بسیار دیده می‌شود و حتی پیروان خود را نیز به این کار تشویق می‌کردند. امام رضا (ع) خدمت کاری به نام مصادف داشت که به او می‌فرمود: «اغد الی عزک یعنی السوق؛ صبح زود در پی عزتت باش؛ یعنی به بازار (برو)» (کلینی، ۱۳۶۲: ۱۴۵).

در مجموع، از نخستین لحظات صبح در پی کار و تلاش بودن، باعث عزت و آبرومندی انسان می‌شود. برعکس افرادی که تا نیمروز در خواب غفلتند، با کسالت و تنبلی دست و پنجه نرم می‌کنند و از به دست آوردن روزی و عزت مداری باز می‌مانند.

۹ - انجام کارهای شخصی

پیامبر اکرم(ص) در روش و منش خویش استقلال را می‌آموخت. آن حضرت در رفتارهایش، مسلمان را متوجه این اصل با ارزش در حیات انسانی می‌نمود و شخصیت مستقل آنان را بازسازی می‌کرد. لقمان حکیم هم در وصایای خود به فرزندش، راز رشد و تعالی پیامبران و راست کرداران را چشم پوشی از غیر خدا می‌دانست.

«فانما بلغ الانبياء و الصديقون ما بلغوا بقطع طمعهم؛ همانا پیامبران و راست کرداران، به آنچه دست یافتند، جز به قطع طمعشان نبود» (مجلسی، ۱۳۶۴: ۴۲۰).

آن حضرت کارهای شخصی خود را به دیگران نمی‌سپرد و از آن چه که خود می‌توانست انجام دهد، کوتاهی نمی‌فرمود. در وصف رسول مکرم اسلام(ص) آمده است:

«کان یخیط ثوبه و یخصف نعله و کان اکثر عمله فی بینه الخياطه؛ رسول خدا(ص) لباس خود را می‌دوخت و کفشش را پینه می‌زد و بیشترین کاری که در خانه انجام می‌داد، دوزندگی بود» (سیوطی، ۱۴۰۱: ۱۱۶).

وی در خانه را خود باز می‌کرد. شیر گوسفندان را می‌دوشید و شتر را می‌بست، سپس آن را می‌دوشید.

بحث و نتیجه‌گیری

اگرچه کارآفرینان، ارزش‌ها و باورهایی متمایز از افراد جامعه دارند، ولی فرهنگ کارآفرینی متأثر از فرهنگ حاکم بر جامعه است. در واقع هرچه ارزشها و عقاید موجود

در جامعه، افراد جامعه را به کار، تولید مداوم، فکر، اندیشه خلاق، یادگیری و کسب دانش سوق دهد؛ در آن جامعه، فرهنگ کارآفرینی اشاعه یافته و درون افراد نهادینه می شود و یا به عبارتی افراد بیشتری دست به خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی می زنند و افراد کارآفرین بیشتری موفق می شوند که ایده های نوین خود را در جامعه محقق سازند. اسلام همواره انسان را متوجه این نکته می کند که هرچه هست عمل است. سرنوشت انسان را عمل او تشکیل می دهد. این یک طرز تفکر واقع بینانه و منطقی و منطبق با قوانین طبیعت است. قرآن کریم راجع به عمل، بسیار تاکید دارد و با تعبیر رسا و زیبایی در این خصوص می فرماید: «برای بشر جز آنچه که کوشش کرده است هیچ چیز وجود ندارد (نجم، آیه ۱۲)». یعنی سعادت بشر در گرو عمل اوست. این تعلیم، یکی از بزرگ ترین تعلیمات برای حیات یک ملت است. اگر ملتی بداند که خودش باید سرنوشتش را تعیین کند، در آن راستا عملکردش را جهت می دهد، آن وقت متوجه عمل و نیروی خودش می شود، متوجه اینکه هیچ چیز شرایط را به نفع من تغییر نمی دهد مگر سعی و کوشش من، که این عامل بزرگی برای حیات و پویایی و تلاش است. امروزه روانشناسان و صاحب نظران علوم تربیتی تلاش بسیار می کنند که حس اعتماد به نفس را در انسان بیدار کنند، اما اسلام این کار را با قطع امید انسان، از هرچه غیر عمل خودش هست، تثبیت می کند. یعنی انسان باید با عمل خودش به چیزهایی که می خواهد برسد، همین طور پیوند انسان با هرچیز و هرکس از طریق عمل او میسر می شود و به عبارت دیگر اسلام کوشش و سعی بلیغ دارد که انسان را متکی به اراده خودش نموده و سرنوشت انسان را وابسته به تلاش و سعی وی معرفی نماید. بنابراین:

۱- کار و تلاش در فرهنگ اسلامی نه تنها جدا از مسئله دین داری نیست بلکه بخشی بسیار ارزشمند از متن دین داری و وظایف الهی است و علاوه بر آثار و

متواتر آمده که دنیا مزرعه آخرت است، یعنی آن چه در دنیا کشت شود در آخرت برداشت می‌شود. مگر نه این است که با انجام کار، مشکلی از مشکلات بندگان خدا حل می‌شود؟ آیا می‌توان عبادتی اینچنین یافت که از کارکردهای مختلف برخوردار باشد؟

۲- کار و کوشش همچون سایر شئون زندگی و عبادات دینی، دارای اصول، بنیادها و ضوابط خاص خود است و رعایت اصولی مانند ذکر نام و یاد خداوند در انجام کار، امانت داری، محکم کاری، وجدان کاری، آگاهی و تخصص به عنوان جان مایه سلامت کار و توفیق در آن ضروری است.

۳- کار در فرهنگ اسلامی و سیره رسول اعظم (ص) از لوازم ضروری رشد و کمال انسان است و در بردارنده آثار و نتایج ارزشمندی در برخورداری‌های فردی و اجتماعی و نیز آرامش روحی، روانی فرد و جامعه و کسب سجایای پسندیده اخلاقی و روحی است.

۴- هرگونه رهبانیت و کارگریزی در آموزه‌های اسلامی مردود است و دنیا محل تلاش و کوشش برای خود و دیگران است. و وسیله رستگاری در آن دنیا از نتایج و عملکرد انسان و سعی و تلاش وی سرچشمه می‌گیرد. روزی از پیامبر (ص) سوال شد که دو برادرند که یکی زاهد است و دیگری کار می‌کند و مخارج او را هم تامین می‌کند، کدامیک از این دو برترند؟ ایشان فرمودند آن کسی که کار می‌کند. آیا جز این است که:

عبادت به جز خدمت خلق نیست به تسبیح و سجاده و دلق نیست

(سعدی علیه الرحمه)

۵- در ادبیات اسلامی، بخشی از عزت نفس تابع کار و تلاش است. کارکردن موجب می‌شود انسان به کمک دیگران امید نبندد و دست تکدی و نیاز به سوی این و آن

دراز نکند. انسان باید بکوشد با کار و حرفه خود، زندگی خودش و خانواده‌اش را تامین کند و اسیر محبت و منت دیگران نشود در همین راستا امام علی (ع) در وصیتی به فرزند خود امام حسن (ع) می‌فرماید؛ اگر می‌خواهی آزاد باشی، مانند بندگان و غلامان زحمت بکش و کارکن.

منابع

- قرآن کریم

- اسحاقی، سید حسین. (۱۳۸۹)، کار و تلاش در فرهنگ اسلامی، انتشارات، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.

- امامی، ابوالقاسم. (۱۳۷۳)، دیوان منسوب به علی (ع)، تهران، انتشارات الزهرا(س).

- پاینده، ابوالقاسم. (۱۳۶۲)، نهج الفصاحه، تهران، انتشارات جاویدان، بی تا.

- تمیمی‌آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۳۷۸)، غررالحکم و دررالکلم، ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

- توسلی، غلامعباس. (۱۳۷۵)، جامعه‌شناسی کار و شغل، تهران، انتشارات سمت.

- جعفری، محمد تقی. (۱۳۷۶)، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه چاپ هفتم جلد چهارم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

- خنیفر، حسین. (۱۳۸۶)، کارآفرینی در نظام ارزشی، قم. انتشارات اکرام.

- دشتی، محمد. (۱۳۸۲)، نهج البلاغه، قم، موسسه فرهنگی امیر المومنین.

- دلشاد تهرانی، مصطفی. (۱۳۸۲)، اخلاق اداری در نهج البلاغه، تهران، انتشارات

- سعیدی کیا، مهدی. (۱۳۸۴)، اصول و مبانی کارآفرینی، تهران، انتشارات کیا.
- سیوطی، جلال الدین. (۱۴۰۱ ق)، الجامع الصغیر، بیروت، انتشارات دارالفکر.
- شیخ صدوق. (ابن بابویه). (۱۳۸۴)، امالی چاپ پنجم، ترجمه محمد باقر کمره ای، تهران، انتشارات کتابچی.
- طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۷۱)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، موسسه اسماعیلیان.
- طبرسی، حسن بن فضل بن حسن. (۱۳۷۹)، اعلام الواری؛ اعلام الهدی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- فلاح، محمدهادی. (۱۳۸۹)، کار و تلاش از نگاه اندیشمندان اسلامی، تهران، انتشارات، مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما.
- فیض کاشانی، ملامحسن. (۱۳۵۰)، محجه البیضافی تهذیب الاحیاء، تصحیح و تعلیقه: علی اکبر غفاری، قم.
- قمی، شیخ عباسی. (۱۳۶۳)، سفینه البحار، تهران، انتشارات فراهانی.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۲)، اصول کافی، جلد ۲، انتشارات سمت.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۳۶۴)، بحار الانوار، مترجم سید ابوالحسن موسوی همدانی، قم، انتشارات کتابخانه مسجد ولی عصر (ع).
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۱)، احیای تفکر اسلام، تهران، انتشارات صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، چاپ اول، جلد ۲۲، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۶۳)، کتاب الغیبه، ترجمه جواد غفاری، قم، انتشارات کتابخانه صدوق.

- نوری، میرزا حسین. (۱۴۰۷.ه.ق)، مستدرک الوسائل جلد ۲، قم، موسسه آل البيت.
- هزارجریبی، جعفر. (۱۳۸۷)، کارآفرینی (چاپ سوم)، تهران، انتشارات پژوهشکده امور اقتصادی.